

در آن ایام تازه داشت در لس آنجلس تظاهراتی به نفع دولت ایران شکل می گرفت ، و من در آن شرایط تصمیم گرفتم در لباس یک روحانی (ملا علی) در آن نمایش ظاهر شوم؛ نقشی که به قول پرویز صیاد ، هیچ کس آن را ایفا نکرده بود.

پس از نمایش «صمد به جنگ می رود» ، نمایش «صمد از جنگ بر می گردد» را شروع کردیم. این نمایش ها را علاوه بر لس آنجلس، در سایر شهر های آمریکا، کانادا و بخشی از اروپا نیز به روی صحنه بردیم که با استقبال بی نظیری روبرو شدند. پس از آن بر روی نمایش «محاكمة سینما رکس آبادان» کار کردیم و من در نقش «جعفری تبریزی» قاضی دادگاه در آن نمایش ظاهر شدم. به نظر خودم، این نمایش یکی از نمایش های افتخار آمیزی بود که در غربت اجرا شد و من هم توانستم در آن نقشی ایفا کنم. این نمایش مورد استقبال و حمایت مردم قرار گرفت و تعداد اجرای آن از مرز هفتصد نوبت هم گذشت.

پس از آن، نمایش «فالگوش» را به اتفاق صیاد و دیگر دوستان کار کردم. همه این نمایش ها هم با همکاری و یاری شما دوست عزیز برای هموطنان عزیز در هوستون به روی صحنه آمد.

احمد آدم: پس از «محاكمة سینما رکس آبادان» ، شما از نقش ملا بیرون آمدید و در «فالگوش» نقش ثان عوضی شد.

علی فخرالدین: «فالگوش» کاری کلاسیک و زیبا بود؛ نمایشی شعرگونه برگرفته از شعر بلند نمایش گونه «فالگوش» اثر منوچهر یکتایی که دارای موضوعی اجتماعی بود. ملایی هم در کار نبود. در این نمایش لازم بود برای دوام و بقای کار، هر بازیگر نقش متفاوتی داشته باشد . بنده یک شب نقش شیرازی را بازی می کردم و یک شب نقش قهوه چی را. پرویز صیاد هم همین طور، یک شب نقش شیرازی را داشت و یک شب نقش قهوه چی را.

احمد آدم: به طیب اجباری اشاره کردید، یادم هست که این نمایش را هم به هوستون آوردید ولی خانم صابری حضور نداشتند.

علی فخرالدین: بله درسته، پس از چند اجرا از این نمایش در لس آنجلس، خانم صابری به ایران رفت. ایشان بعد تصمیم گرفت که در آن جا بماند، بنابراین من با ایشان صحبت کردم که اگر اجازه بدهند این نمایش را با برداشت تازه ای به روی صحنه ببرم. خانم صابری هم این پیشنهاد را پذیرفت و من با همکاری بهمن مفید، شهناز تهرانی ، بدری همت یار، عباس رضوی، علی دستار، محی الدین چایچی و چند نفر دیگر که الان حضور ذهن درباره اسمای آن ها ندارم، نمایش تازه ای از طیب اجباری آماده کردیم. بنابراین شما این برداشت جدید از نمایش را در هوستون به روی صحنه دیدید. با این نمایش به دور آمریکا و کانادا هم رفتیم .

احمد آدم: شما در نقش حاجی انارکی و امثال آن بسیار خوش



گپی با علی فخرالدین بازیگر توانای تئاتر و سینما

احمد آدم: آقای فخرالدین عزیز به شهر هوستون خیلی خوش آمدید. من هر وقت شما را می بینم، خاطرات خوشی برایم تداعی می شود، یاد آن روزها می افتم که نمایش های پرور صیاد عزیز به همراهی شما و دیگر دوستان هنرمندان، در هوستون به روی صحنه می آمد و من نیز افتخار میزبانی شما را داشتم. خوب است که به گذشته برگردیم و برایمان بگوئید که از چه زمانی کار هنری خود را آغاز کردید.

علی فخرالدین: با درود به شما و سایر هموطنان عزیز در هوستون، من از سال ۱۹۸۱ فعالیت نمایشی خود را در آمریکا (لس آنجلس) آغاز کردم. هر چند که پیش از آن در نمایش «محاكمة ایرج میرزا» نوشته دکتر صدرالدین الهی بازی کرده بودم . در همان زمان نیز با خانم پری صابری که از خانم های فعال در رشته تئاتر و عکاسی بود، آشنا شده و پس از نمایش «محاكمة ایرج میرزا»، به اتفاق ایشان، نمایش «طیب اجباری» نوشته مولیر، نویسنده بزرگ فرانسوی را به روی صحنه بردیم.

در آن هنگام پرویز صیاد از نیویورک به لس آنجلس نقل مکان کرده بود و مادر پی آشنایی، باهم نشستنی داشتیم که ایشان از من دعوت کرد تا در نمایش «صمد به جنگ می رود» نقشی ایفا کنم.

درخشیده اید، چه شد که تصمیم گرفتید این شخصیت را ارائه بدهید؟

علی فخرالدین: نکته اصلی به فضائی مربوط می شود که بر مملکت ما حاکم است؛ یعنی افرادی در زیر چتر روحانیت آنچه را که ظلم بوده بر مردم شریف ایران روا داشته اند که من و شما و دیگران هم البته جزو همان مظلومین هستیم که هر کدام به جایی از این دنیا پرتاب شده ایم. احساس کردم که این نقش، نقشی است که می توان آن را دوام و قوام داد و حرفی را که مردم دوست دارند آن را در قالب طنز بشنوند، بر زبان آورد. البته یادمان باشد که تمامی حرکت های دنیا و حتی انقلابات ابتدا زیر سقف نمایش مطرح شده است، بخصوص زیر لبه تیز طنز.

من بعد از چهارده سال همکاری با دوست و هنرمند عزیز، پرویز صیاد، راهم را عوض کردم و تصمیم گرفتم در قالب شخصیتی تخیلی ایفای نقش کنم که نمادی از کسانی باشد که حدود سی سال است مردم ایران را زیر فشار حکومتی خود قرار داده اند؛ یعنی در نقشی به نام حاج آقا امیر اسد خان توصیف الدوله میر انارکی.

حدود ۱۷، ۱۸ سال پیش، که هنوز تکنولوژی تلفن و تلویزیون بیست و چهار ساعته در اختیار نبود و اگر هم در این زمینه رشدی داشت، در اختیار کل جامعه نبود، در لس آنجلس تلویزیونی به نام «طنین» بود که جمعه شب ها، ساعت دوازده، به مدت نیم ساعت برنامه داشت. من در همان زمان با مدیریت آن صحبت کردم تا حدود ده تا پانزده دقیقه از این برنامه را به من واگذار کنند. آن ها هم پذیرفتند و من نمایشی را اجرا کردم با عنوان «لحظه، لحظه در ارتباط مستقیم»؛ و همان جا بود که بطور مستقل شخصیت حاج آقا انارکی را قوام و دوام دادم و شناسنامه اش را به مردم ارائه کردم. شاید حدود پنج سال با این تلویزیون همکاری داشتم. بعد هم که تلویزیون های بیست و چهار ساعته راه اندازی شدند. از آن جا که با ایفای این نقش مسؤلیت بزرگی را بر دوش خود گذاشته ام، بنابراین در رابطه با این نقش احساس مسؤلیت می کنم و تلاش من بر این است که آنچه را که مورد نیاز جامعه است، در قالب طنز و اعمال و گفتار

این شخصیت خیالی بیان کنم.

احمد آدم: آیا شما در زمینه سینما و تئاتر تحصیل هم کرده اید؟

علی فخرالدین: من در ایران دوره شبانه دانشکده هنرهای دراماتیک را گذراندم و بعد به دلیل شوق و ذوق هنری که در خود می دیدم، در سال ۱۹۷۸ به ایتالیا رفتم تا کار تحصیلات هنری ام را قوام بیشتری ببخشم. تا بخشی از سال ۱۹۷۹ هم در ایتالیا بودم و بعد به فرانسه رفتم و سپس در اواخر سال ۷۹ وارد آمریکا شدم و شهر لس آنجلس اولین و آخرین ایستگاهی شد که من آن را برای اقامت برگزیدم. در لس آنجلس کالجی غیر دولتی هست به نام California Of Art که فقط یک رشته دارد و آن هم هنر است. ولی چون هزینه تحصیل در این کالج زیاد بود و از طرفی نمی توانستم در دانشکده های دولتی دیگر تحصیل کنم، تغییر رشته دادم و وارد رشته بیزنس شدم.

احمد آدم: آیا در کنار فعالیت های هنری، شغل دیگری هم دارید؟

علی فخرالدین: حقیقتش این است درآمد حاصل از نمایش ها که با خون دل در این شهر و آن شهر اجرا می شود، آن هم با این امید که تماشاگر به سالن بیاید و از آن حمایت کند، تنها وسیله برای گذران زندگی است و نیز نمایش های تلویزیونی، که البته پول چندان هم در آن نیست چون اگر آن ها پولی دریافت نکنند، نمی توانند پولی بدهند. باید بیفزایم، از سال ۱۹۸۶ هم که توانستم عضو سندیکای هنرپیشه های هالیوود شوم، نقش هایی - ولو کوچک - هم ایفا کرده ام که از آن طریق هم درآمدی نصیبم شده و از این جهت بد نبوده است. گرچه در این مدت کوشیده ام که هر چه بهتر از عهده نقش هایی که به من داده اند، برآیم، اما از این منظر که بتوانم استعدادم را به جامعه بزرگ هالیوود و مردم آمریکا نشان دهم، چندان چشمگیر نبوده است. علنش هم این است که اگر بازیگر نقش مطرح و کلیدی را در فیلم نداشته باشد، تماشاچی اصلاً او را نمی بیند. درست مثل چاپ مطالب بسیار

خوب در مجله است، یعنی هنگامی که خواننده آن مطلب خوب را می خواند حتماً آگهی کنار آن را هم می بیند، و در هر دو دقیق می شود.

اما در عین حال باید بگویم که خوشبختانه پس از جریانات یازدهم سپتامبر، هالیوود ناچار شده در برنامه های بیست سال آینده خود، فیلم ها و برنامه هایی را بگنجانند که در رابطه با خاور میانه است و چاره ای ندارد جز اینکه افرادی مثل بنده را که چهره ای شرقی داریم، به کار بگیرد. زیرا نمی تواند اشخاص موطلابی و چشم آبی را به آدم های شرقی تبدیل کند و اگر بتواند، چندان مطلوب از کار در نمی آید. بنابراین انتظار و امید من این است که بتوانم سرانجام نقش هایی را که دوست دارم، به عهده بگیرم و از طریق ایفای هنرمندانه نقش هایم مورد توجه واقع شوم.

احمد آدم: برای آینده چه برنامه ای در دست دارید؟

علی فخرالدین: در حال حاضر تور جهانی علی میر فخرالدین حاج آقا انارکی را همچنان در دست اجرا دارم. این نمایش دو ساعته به شیوه تک نفره اجرا می شود. این شیوه نمایش در غرب - برخلاف ایران - خیلی مورد توجه قرار گرفته است. نمایش دیگری نیز در دست طراحی دارم که آقای داریوش ایرانزاد با محبتی خاص در مورد آن مرا یاری داده و می دهد. به محض اینکه این نمایش برای اجرا آماده شود آگهی آن از تلویزیون پخش خواهد شد.

احمد آدم: آقای فخرالدین، سپاسگزارم از وقت تان برای انجام این گفتگو. هر چند ما از شما دوریم، اما قلبمان با شماست و همیشه از دیدنتان شاد می شویم.

علی فخرالدین: من هم از شما بسیار سپاسگزارم و می دانم که انتشار یک مجله، آن هم با روشی که شما آن را تنظیم کرده و منتشر می نید بسیار دشوار است ولی نهایتاً استواری شما در کارها برای من قابل احترام است و اینکه امروز توانستم گفتگوی کوتاهی با شما داشته باشم، برای من موهبتی بود.